



ارتش افغانستان
در تله‌های یک
ارتش غربی گیر
افتاده بود

فرهنگی با جامعه افغانستان تناسب نداشت. جنگجویان افغان در نسل‌های گذشته که توانستند هم انگلیسی‌ها و هم روس‌ها را شکست بدهند، به صلابت جسمی و روحی و تسلط بر یورش و شجاعت زیررگبار گلوله معروف بودند، اما ایالات متحده این جنگجویان کوهستانی مایه مباحث را گرفت و مجبورشان کرد در قالب مورد نظر او فرو بروند و به نقاط قوت و ضعف ذاتی آنها بی توجهی کرد.

نیروهای افغان علی‌القاعده جنگجویان پرتحرک و پیاده نظام سبکباری بودند که بین مردم زندگی و با حداقل امکانات سر می‌کردند. ارتش افغانستان در تله‌های یک ارتش غربی گیر افتاده بود. آنها به جای راه رفتن و استفاده از الاغ برای حمل و نقل وسایلشان، حالا باید از کامیون‌هایی استفاده می‌کردند که آنها را به جاده‌ها می‌خکوب می‌کرد و باید با هلیکوپترهایی پرواز می‌کردند که نگهداری از آنها بسیار پیچیده و پرهزینه بود. نیروهای افغان باید در جوامع محلی که از آنها حمایت می‌کردند زندگی می‌کردند، اما ایالات متحده و متحدان او در ناتو پایگاه‌های کاملی را ساختند، جایی که نیروها در سربازخانه‌های پرهزینه زندگی می‌کردند و در سالن‌های شلوغشان غذا می‌خوردند.

در هنگام گشت‌زنی یا انجام عملیات‌های رزمی دیگر این نیروها هم مانند نیروهای خارجی از پایگاه‌های خود به داخل روستاها اعزام می‌شدند. برخلاف طالبان (و مجاهدین پیش از آنها)، پیاده نظام افغان که توسط ایالات متحده و ناتو آموزش دیده و تجهیز شده بودند، برای شرکت در نبرد نزدیک مردم بودند، مگر اینکه هواپیمای متفقین از بالای سر آنها را پشتیبانی می‌کردند.

استثنای قابل توجه در میان این نیروها کماندوهای افغان بودند که عملکرد درخشان و شجاعانه‌ای داشتند. آموزش این نیروها از نیروهای ویژه امریکایی الگوبرداری شده و با